

فارسی چهارم دبستان

حمید طالب تبار

افروز کلانتری





فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۴۰	درس یازدهم: فرمانده دل‌ها	۷	بخش اول (معنی شعرها و نثرها)
۴۲	درس دوازدهم: اتفاق ساده	۸	ستایش
۴۴	بخوان و بیندیش: دوست بچه‌های خوب	۱۰	درس اول: آفریدگار زیبایی
۴۵	حکایت: نگاه پنهان	۱۲	بخوان و حفظ کن: خبر داغ
۴۶	درس سیزدهم: لطف حق	۱۴	درس دوم: کوچ پرستوها
۴۸	بخوان و حفظ کن: امید	۱۵	بخوان و بیندیش: در جست و جو
۵۰	درس چهاردهم: ادب از که آموختی؟	۱۷	حکایت: قوی‌ترین حیوان جنگل
۵۲	درس پانزدهم: شیر و موش	۱۸	درس سوم: راز نشانه‌ها
۵۵	بخوان و بیندیش: هفت مروارید سُرخ	۱۹	بخوان و حفظ کن: روباه و زاغ
۵۷	درس شانزدهم: پرسشگری	۲۱	درس چهارم: ارزش علم
۵۹	بخوان و حفظ کن: خرد و دانش	۲۳	درس پنجم: رهایی از قفس
۶۱	درس هفدهم: مدرسه‌ی هوشمند	۲۵	بخوان و بیندیش: قدم یازدهم
۶۲	بخوان و بیندیش: کارت اعتباری	۲۷	مثل
۶۴	مثل	۲۸	درس ششم: آرش کمان‌گیر
۶۵	نیایش	۳۰	بخوان و حفظ کن: باران
۶۷	بخش دوم (واژه‌آموزی و دانش زبانی)	۳۳	درس هفتم: مهمان شهر ما
۶۸	درس اول: واژه‌آموزی	۳۴	بخوان و بیندیش: انتظار
۷۴	درس دوم: دانش زبانی (علامت‌های نگارشی)		درس هشتم و درس نهم: درس آزاد است.
۸۰	درس سوم: واژه‌آموزی	۳۶	درس دهم: باغچه‌ی اطفال
		۳۸	بخوان و حفظ کن: همای رحمت

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۵۸	درس دوم: کوچ پرستوها، بخوان و بیندیش و حکایت.	۸۵	درس چهارم: دانش زبانی (جمله)
۱۶۳	درس سوم: راز نشانه‌ها، بخوان و حفظ کن	۹۱	درس پنجم: واژه‌آموزی
۱۶۶	درس چهارم: ارزش علم	۹۶	درس ششم: دانش زبانی
۱۶۸	درس پنجم: رهایی از قفس، بخوان، بیندیش و مثل	۱۰۱	درس هفتم: واژه‌آموزی
۱۷۳	درس ششم: آرش کمان‌گیر و بخوان و حفظ کن		درس‌های هشتم و نهم: آزاد است.
۱۷۸	درس هفتم: مهمان شهر ما، بخوان و بیندیش و مثل	۱۰۶	درس دهم: دانش زبانی
	درس هشتم و نهم: درس آزاد است.	۱۱۳	درس یازدهم: واژه‌آموزی
۱۸۳	درس دهم: باغچه‌ی اطفال و بخوان و حفظ کن	۱۱۸	درس دوازدهم: دانش زبانی
۱۸۶	درس یازدهم: فرمانده دل‌ها	۱۲۳	درس سیزدهم: واژه‌آموزی
۱۸۹	درس دوازدهم: اتفاق ساده	۱۲۸	درس چهاردهم: دانش زبانی
۱۹۴	درس سیزدهم: لطف حق و بخوان و حفظ کن	۱۳۴	درس پانزدهم: واژه‌آموزی
۲۰۰	درس چهاردهم: ادب از که آموختی؟	۱۳۹	درس شانزدهم: دانش زبانی (جمله)
۲۰۴	درس پانزدهم: شیر و موش، بخوان و بیندیش و مثل	۱۴۴	درس هفدهم: واژه‌آموزی
۲۰۹	درس شانزدهم: پرسشگری و بخوان و حفظ کن		بخش سوم (تست‌های درس به درس)
	درس هفدهم: مدرسه‌ی هوشمند، بخوان و بیندیش و نیایش		درس اول: ستایش، آفریدگار زیبایی و بخوان و حفظ کن
۲۱۴		۱۵۰	





به نام خدا

اول از همه، خداوند بزرگ را شکر می‌کنیم که به ما لطف کرد تا بتوانیم کتاب فارسی چهارم را آنطوری که می‌خواستیم و دوست داشتیم، بنویسیم.

در کتاب فارسی چهارم از شعرهایی استفاده شد که برای ما جالب بود و همین شعرها انگیزه‌ی ما را برای نوشتن این کتاب، بیش‌تر کرد.

این کتاب به سه بخش تقسیم می‌شود:

- ۱- بخش اول: معنی تمام لغت‌ها، شعرها و جمله‌های دشوار به ترتیب درس‌ها.
- ۲- بخش دوم: بررسی تمام مطالب مربوط به واژه‌آموزی و دانش زبانی، به ترتیب درس‌ها و آوردن تمرین و تست‌ها همراه با پاسخ تشریحی.
- ۳- بخش سوم: طراحی تست‌ها در قالب دستور، لغت، معنی و مفهوم، تاریخ ادبیات، هم‌خانواده و ... همراه با پاسخ، به ترتیب درس‌ها.

از همه‌ی دوستان و همکاران گرانقدر که در تألیف این کتاب به ما یاری رساندند، سپاسگزاریم.

به ویژه:

آقایان: جواد با حشمت (از جویبار)، جواد فتح آبادی (از مشهد)، مهدی آسمی (از تبریز) و خانم‌ها: آزاده و آویشن امیدمهر (ویراستاران با حوصله و دقیق)، لیلی میرزایی (حروف‌چین توانا و دقیق)، مینا هُرمزی (طراح جلد)، سپیده شهبازی فرد (تصویرگر).

و آخر این‌که:

از دختر نازنینمان «طراوت»، نهایت قدردانی را داریم که بهترین مشاور ما در تألیف این کتاب بود.

از همه‌ی همکاران، دانش‌آموزان و اولیای گرامی تقاضا داریم که اشتباهات کتاب را برای ما، ارسال دارند تا در چاپ‌های آینده، این اثر پُر بارتر گردد.

editor@mobtakeran.com

پاینده باشید!

حمید طالب‌تبار

افروز کلانتری

بخش اول:



معنی لغت‌ها، شعرها و جمله‌های دشوار به ترتیب درس‌ها



ستایش - «خدا»

شاعر: پروین دولت آبادی

قالب شعر: مثنوی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

یک چند: لحظه‌ای، مدت کمی

نهان: پنهان، مخفی

نشان: علامت، نشانه

نیکی: خوبی

آخر: پایان، انجام

دمی: لحظه‌ای، هنگامی

هرگز: هیچ‌وقت

صبحگاه: بامداد، هنگام صبح

آهسته: کند، آرام

معنی بیت‌ها

بیت ۱: به مادر گفتم: «آخر این خدا کیست؟ که هم در خانه‌ی ما هست و هم نیست

معنی: از مادر پرسیدم: به من بگو که این خدا کیست که هم در خانه‌ی ما وجود دارد و هم وجود ندارد.

بیت ۲: تو گفתי مهربان‌تر از خدا نیست دمی از بندگان خود جدا نیست

معنی: تو به من گفتی که کسی از خدا مهربان‌تر وجود ندارد و خداوند لحظه‌ای از بندگان خود، غافل و جدا نیست.

بیت ۳: چرا هرگز نمی‌آید به خوابیم؟ چرا هرگز نمی‌گوید جوابیم؟

معنی: به من بگو چرا خداوند هیچ‌وقت به خوابیم نمی‌آید و او را در خواب نمی‌بینیم؟ چرا خداوند هیچ‌وقت

درخواست‌های مرا جواب و پاسخ نمی‌دهد؟

بیت ۴: نماز صبحگاهت را شنیدم تو را دیدم، خدایت را ندیدم»

معنی: وقتی که صبح نماز می‌خواندی، صدایت را شنیدم، تو را دیدم اما خدایت را که با او سخن می‌گفتی ندیدم.

بیت ۵: به من آهسته، مادر گفت: «فرزند! خدا را در دل خود جوی، یک چند

معنی: مادر، آهسته به من گفت: فرزندم! خداوند را در دل خودت، جست و جو کن نه در خانه و بیرون از آن.

بیت ۶: خدا در رنگ و بوی گل، نهان است بهار و باغ و گل، از او نشان است

معنی: خداوند در همه جا وجود دارد، خدا در بوی گل، پنهان است و در باغ و گل‌ها آشکار است.

بیت ۷: خدا در پاکی و نیکی است، فرزند! بود در روشنائی هـا، خداوند»
معنی: فرزندم! خداوند در پاکی و خوبی و روشنائیها وجود دارد و همه جا، حاضر است.



خدا؛ همان ویژگی‌های مثبت و خوب است که در لابه‌لای زندگی ما وجود دارد.
 خدا، یعنی: خوبی، پاکی، روشنائی و محبت که هر روز و هر لحظه در وجود ما و در زندگی ما وجود دارد؛
 اما باید تلاش کنیم و به دستش آوریم.

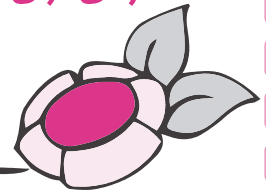
پروین دولت‌آبادی: از شاعران کودک و نوجوان است. او در سال ۱۳۰۳ در خانواده‌ی فرهنگی در اصفهان به دنیا آمد و پس از چند سال همراه خانواده‌اش به تهران آمد. پدرش رئیس شیرخوارگاه بود. او هم تصمیم گرفت به سرپرستی و تربیت کودکان پرورشگاه بپردازد. شعرهایی که برای



تاریخ ادبیات

کودکان پرورشگاه سرود، برای بسیاری از آنان جالب بود. او تلاش کرد تا شعر کودکان را از حالت پندگونه، خارج کند و اشعار وی برای بچه‌ها جنبه‌ی سرگرمی و تفریح نیز داشته باشد.

آفریدگار زیبایی



نوع نثر: ساده و روان


معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

تاب نیاوردند: طاقت نیاوردند، تحمل نکردند	تصمیم: اراده، قصد
مزارع: جمع مزرعه، کشتزارها، زمین‌های کشاورزی	جهان‌افروز: روشن کننده‌ی جهان
سُراغ: پی چیزی رفتن	داوری: قضاوت کردن، شکایت کردن
ارغوانی: به رنگ ارغوان، بنفش	دل‌انگیز: دل‌فرب، مطلوب
جَلا: درخشندگی و شفافیت	نخست: اول، ابتدا
مهاجر: کوچ کننده، مهاجرت کننده	نیلی: به رنگ نیل، کبود رنگ
سطح: قسمت هموار و خارجی اجسام	پراکند: پخش کرد، متفرق ساخت، پرت و پلا کرد
قشر: پوست، جمع قشور	گونگون: مختلف
براق: درخشان، درخشنده، برق‌دار	غوک: قورباغه
خودنمایی: خود را جلو دیگران، خوب نشان دادن	برکه: آبگیر، تالاب
چیره‌دست: ماهر، زبردست	بگذار: اجازه بده
شگفت‌انگیز: تعجب‌آور، حیرت‌آور	منظره: آن‌چه از دور به نظر می‌آید، چشم‌انداز
بگذارید: اجازه بدهید	انبوه: بسیار زیاد، فراوان
لذت: خوشی	زینت: زیور، پیرایه
	گلگون: سرخ‌رنگ، به رنگ گل سرخ

معنی بعضی از جمله‌های مهم

آن سه تن دیگر، دست از نقاشی بردارند و بروند. 

معنی: آن سه شخص دیگر، نقاشی نکشند و از آن‌جا بروند.

تابستان گرم، دست به کار شد. 

معنی: تابستان گرم و سوزان، مشغول به کار شد و کارش را شروع کرد.

شاخه‌ها تاب نیاوردند.

معنی: شاخه‌ها تحمل و توانایی نداشتند که میوه‌ها را نگه دارند.

نقاشی تابستان هم بسیار زیبا از کار درآمد.

معنی: نقاشی تابستان هم خوب و درست نتیجه داد و زیبا شد.

نتوانست چشم از آن بردارد.

معنی: نتوانست به آن نگاه نکند و از نگاه کردن آن سیر شود.

سطح رودخانه‌ها را با قشر نازکی از یخ، برآق کرد.

معنی: روی رودخانه‌ها را با پوست نازک یخ، درخشان کرد.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش، دفتری است معرفت کردگار

معنی: از نظر انسان خردمند، برگ‌های درختان به هنگام بهار، مانند کتابی هستند که بزرگی خداوند را به ما می‌شناسانند. (در این بیت، برگ درختان به کتاب (دفتر) تشبیه شده است.)

املاي واژه‌های مهم

صحبت - تصمیم - خورشید جهان‌افروز - هنرمند - دل‌انگیز - نخست - هلو - گودال - نرگس و بنفشه -
حشرات گوناگون - غوک - برکه - بگذار - منظره‌ای زیباتر - بوته‌های انبوه تمشک - زینت - سیب گلگون
- تاب نیاوردند - خوشه‌های طلایی - مزارع - دریاچه‌ها - سراغ جنگل - بعضی - ارغوانی - سروها و
صنوبرها - قطره‌ها - باقی ماندند - جلا داده است - مهاجر - پهن - از نظر خورشید - سطح زمین - قشر
نازک - برآق - نگاه پُر مهر - خودنمایی - چیره‌دست - شگفت‌انگیز - بگذارید - لذت.

پیام درس

در این درس تمام چهار فصل زیبای طبیعت، تصویرسازی شد و از زیبایی‌های هر فصل گفت و گو به میان آمد. هدف نویسنده این است که ما به قدرت و عظمت خداوند پی ببریم. خداوندی که طبیعت را به وجود آورد و فصل‌های زیبا را خلق کرد تا جهان به زندگی‌اش ادامه بدهد و ما از آن‌ها بهره ببریم. پس همیشه باید قدر دان عظمت و لطف خداوند باشیم.



بخوان و حفظ کن - خبر داغ

شاعر: شکوه قاسم‌نیا

قالب شعر: چهارپاره

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

شاپرک: نوعی پروانه‌ی بزرگ که معمولاً شب پرواز است.	تک تک: یکی یکی
پهنه: میدان، سطح	سار: پرنده‌ای کوچک و کمی بزرگ‌تر از گنجشک
رَمه: گله	تَه: آخر، انتها
عاقبت: سرانجام، آخر، پایان	تپید: حرکت کرد، بی‌قرار شد، جنید
هوهو: صدای وزیدن باد، زوزه‌ی باد	بی‌حوصله: خسته بودن، میل انجام کاری را نداشتن
هی: به طور پیوسته و پیاپی، مرتباً	خمیازه کشیدن: باز شدن خود به خودی دهان
	بر اثر خستگی یا خواب آلودگی

معنی بیت‌ها


خبری داشت کلاغ  گفت در گوش درخت  برگ‌ها تک تک ریخت  از سر و دوش درخت  **معنی:** کلاغ خبر هیجان‌انگیزی را به درخت گفت و تمام برگ‌ها از شاخه‌های درخت بر زمین ریخت.


نکته

گوش درخت و سر و دوش درخت، جان‌بخشی دارند.

خبر داغ: خبری که هیجان‌انگیز است و توجه دیگران را به خود جلب می‌کند.

توضیح بیشتر

جان‌بخشی یا تشخیص: به نسبت دادن حالات و رفتار انسان به غیر انسان جان‌بخشی می‌گویند؛ مانند: ابرها می‌گریند  گریه کردن که رفتار انسان است به ابر که غیرانسان است، نسبت داده شد.

کلاغ خبرش را به درخت گفت  خبر داشتن و حرف زدن که رفتار انسان است به کلاغ نسبت داده شد.

ستاره سار از شاخه پرید  بال زد تا ته باغ  گفت با سبزه و گل  هرچه را گفت کلاغ

معنی: سار از روی شاخه پرید و تا آخر باغ، پرواز کرد و خبر کلاغ را به سبزه و گل گفت.

ستاره دل هر غنچه تپید  رنگ گلبرگ پرید  برگ، بی حوصله شد  سبزه، خمیازه کشید

معنی: غنچه‌ها بی‌قرار شدند و گلبرگ ترسید. برگ، بی‌حوصله شد و سبزه به خاطر خستگی و بی‌حالی، خمیازه می‌کشید.

ستاره شاپرک خواب نبود  پر زد از باغ و گذشت  هرچه را دید و شنید  بُرد تا پهنه‌ی دشت

معنی: شاپرک، بیدار بود و پرواز کرد و از باغ بیرون رفت. تمام چیزهایی را که دید و شنید تا وسط دشت بُرد و به همه گفت.

ستاره آهو از دشت گریخت  رَمه برگشت به ده  عاقبت باز رسید  خبر از دشت به ده

معنی: آهو از دشت فرار کرد و گوسفندان به ده برگشتند. سرانجام خبری را که کلاغ گفته بود به ده رسید.

ستاره باد، هوهو می‌کرد  ابر، هی می‌بارید  خبر داغ کلاغ  ده به ده می‌پیچید

معنی: باد با صدای بلند زوزه می‌کشید و ابر به شدت می‌بارید و خبر تازه و مهم کلاغ به همه‌ی مردم روستاها رسید و پاییز آغاز شد.



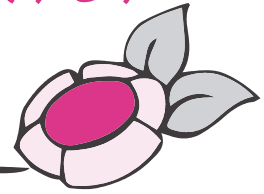
این شعر، توصیف بسیار زیبایی است از رسیدن فصل رنگارنگ پاییز.

در این شعر، کلاغ خبر رسیدن پاییز را به همه می‌دهد و این خبر، دهان به دهان به همه جا و همه کس می‌رسد و پاییز آغاز می‌شود.

نکته

شاعر، در این شعر از شیوه‌ی جان‌بخشی (تشخیص) استفاده کرده است، یعنی ویژگی انسان‌ها را به غیر انسان، نسبت داده است، بنابراین، می‌بینیم که پرندگان با هم حرف می‌زنند، فریاد می‌کشند و ...

کوچ پرستوها



نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

معلوم: مشخص، آشکار	اوایل: جمعِ اول، آغازها، پیش‌ها، اول‌ها
تغییرات: دگرگونی‌ها	لطیف: نرم و نازک
قرقی: نوعی پرنده‌ی شکاری از دسته‌ی بازها	دل‌نشین: خوشایند، مؤثر
کوچ: مهاجرت، از جایی به جایی رفتن	دشت، جامه‌ی سبز پوشید: کنایه از دشت، کاملاً سبز شد. (جامه: لباس)
ناگهان: دور از انتظار و بی‌خبر	دور و دراز: زمان بسیار طولانی از گذشته
می‌ربایند: (ربودن): دزدیدن، جذب کردن	نخستین: اولین
پی‌درپی: پی‌پی و پشت سر هم	از نو: دوباره
شگفتی: تعجب، حیرت	به سر بُرده‌اند: گذرانده‌اند، وعده به جا آورده‌اند.
سپری شدن: به پایان رسیدن، به اتمام رسیدن، کامل شدن	راه و رسم: روش، شیوه
پیمودن: طی کردن راه	آسودگی: آرام و راحت بودن
پیشین: گذشته، قبلی، جمع: پیشینیان	کمیاب: نایاب، نادر
راه‌یابی: راه یافتن	به ناچار: از روی اجبار
نهاده است: قرار داده است.	معتدل‌تر: جایی که آب و هوای نه سرد و نه گرمی دارد.
	جنب و جوش: فعالیت بسیار، هیجان

املاي واژه‌های مهم

اوایل - لطیف - جامه‌ی سبز - دور و دراز - نخستین - آسیب - عهده - تخم می‌گذارند - پس از سه هفته -
 راه و رسم - آسودگی - آغاز پاییز - ناچار - معتدل‌تر - کوچ - جمع - گفت و گوی مهمی - مشغول - جنب و
 جوش - معلوم - تغییرات هوا - عقاب - قرقی - ناگهان - شگفتی - پیمودن - طولانی - اشتباه - پرستوها -
 نهاده است.

پیام درس

این درس، بهار را وصف می‌کند. در این فصل، انسان‌ها و همه‌ی موجودات، زندگی را با شوق و علاقه، آغاز می‌کنند. پرستوها و دیگر پرندگان به جای گرم‌تر، مهاجرت می‌کنند و بعد از به سر بُردن بهار و تابستان، با رسیدن فصل سرد، آماده‌ی کوچ می‌شوند. پرستوها بدون این‌که در مسیر راه، اشتباه کنند به لانه‌ی قبلی خود، باز می‌گردند. خداوند بزرگ، این قدرت را به پرستوها داده تا مسیر کوچ را بدون اشتباه، طی کنند و به لانه‌ی قبلی خود باز گردند.

بخوان و بیندیش

در جست و جو

نویسنده: کلر ژوبرت (سمیه جلالی)

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

وای: کلمه‌ای که برای تعجب و شگفتی به کار می‌رود
فرصت: وقت، زمان
اعتراض کرد: ایراد گرفت، خُرده گرفت
اصلاً: هرگز
سپس: بعد، پس
التماس کنان: در حال خواهش کردن، التماس کردن
نگران: دلواپس، مضطرب، اندیشناک
محبت: مهر، دوستی، مهربانی

آهی: ناله‌ای از سر افسوس و حسرت
طفلی: کودک خرد
سنجاب: حیوانی از جوندگان که دُم نسبتاً درازی دارد.
غصه: غم، اندوه
لابد: بدون شک، حتماً، قطعاً
البته: به درستی، قطعاً
شگفت زده: متعجب
جست و خیزگنان: در حال پریدن

معنی بعضی از جمله‌های مهم

شاخه به شاخه پرید تا از درختش پایین آمد.

معنی: با تلاش بسیار از شاخه عبور می‌کرد تا این‌که به پایین درخت رسید.

خدا با چشم، دیدنی نیست ولی جهان پُر از نشانه‌های خداست.

معنی: اگرچه نمی‌توان با چشم خدا را دید، اما آفریده‌ها و پدیده‌های جهان، بیانگر عظمت و بزرگی خداوند است.

املاي واژه‌هاي مهم

غمگين - آهي - طفلکي - سنجاب - آن موقع - لا بُد - غُصّه خوردن - حتماً - هر طور شده - ناگهان -
 آهاي - آن قدر - موجود عالم - شگفت زده - جَسْت و خيز کُنان - تعجّب - فرصت - اعتراض کرد -
 اصلاً - توخّه - قهوه‌اي - پناه - محال - سپس - التماس کُنان - ضعيف - نعمت - منتظر - نشانه‌ي محبّت -
 آهسته.

پيام درس

نويسنده در اين درس با يك داستان زيبا و ساده، نشان داده که خدا در همه جا وجود دارد اما با چشم
 نمي توان او راديد. بچه‌هاي عزيز! خدا همان کسي است که تمام اين جهان و موجودات را به وجود آورده.
 کوه، دريا، جنگل و ... همه از آفريده‌هاي خداوند است. خوبي‌ها، نيکي‌ها، محبّت‌ها، پاكي‌ها همه از
 نشانه‌هاي خداوند است. خدا در دل‌هاي ما هم هست، مهربان و دوست‌داشتني است.

کلر ژوبرت: نويسنده‌اي فرانسوي است که در سال ۱۹۶۱ در پاریس به دنيا آمد و در ۱۹ سالگي،
 مسلمان شد. تاکنون هشت جلد از کتاب‌هاي او به چاپ رسیده است. از آثار او مي توان «خدا حافظ
 راکون پير»، «دعای موش کوچولو»، «گربه‌ي کوچي ما»، «کلوچه‌هاي خدا»، «قصه‌ي مارمولک سبز
 کوچولو»، «در جست و جوي خدا» و «امين ترين دوست» را نام بُرد. شخصيت بيش تر

داستان‌هاي او حيوانات هستند. آخرين داستاني که او به زبان فرانسه
 منتشر کرده، درباره‌ي پسر بچه‌ي ناشنوایی است که از داشتن سَمْعک،
 شرمنده و غصّه‌دار بود.

تاريخ ادبيات

حکایت

قوی ترین حیوان جنگل

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

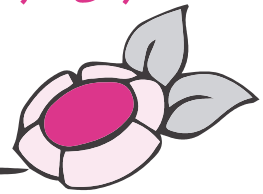
اوقات: جمع وقت، ساعات، روزگار
چرا اوقات تلخی می‌کنی؟: چرا عصبانی و ناراحت
می‌شوی؟

قوی پیکر: تناور، قوی جُثه
خرطوم: بینی بزرگ فیل
برخاست: ایستاد، بیدار شد
سؤال: پرسش



این حکایت به همه‌ی ما درس می‌دهد که قدرتمندتر از ما هم وجود دارند پس باید نسبت به بقیه فروتن باشیم و نباید به دیگران بی‌توجهی و ستم بکنیم. به قول معروف «دست بالای دست، بسیار است».

راز نشانه‌ها



نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

آسیاب: دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم، جو و دانه‌های دیگر	حاکم: والی، داور، قاضی (در این درس، همان قاضی است) کمی اندیشیدم: کمی فکر کردم.
قهوه‌خانه: جایی که قهوه و چای دم کنند و بنوشند	ردّ پا: اثر پا
می‌لنگید: لنگان لنگان راه می‌رفت.	گود: عمیق، ژرف
بار گندم: کیسه‌های گندم که بر پشت الاغ بود.	حدس زدم: گمان کردم، پنداشتم، فکر کردم
نشانی: علامت‌ها	کور: نابینا
خشمگین: عصبانی	معذرت خواست: عذر خواست، پوزش طلبید

املائی واژه‌های مهم

الاغ - آسیاب - قهوه‌خانه - خشمگین - حاکم - چه‌طور - ردّ پا - گود - علف‌ها - خورده شده بود -
طرف - به همین دلیل - حدس زدم - هوش و فهم - معذرت خواست.

پیام درس

در این درس، نویسنده به هوش و دانایی انسان‌ها توجه دارد و می‌گوید باید از هوش و خردمان استفاده کنیم تا در زندگی در آسایش به سر ببریم. هوش سبب آسایش، راحتی و نجات انسان‌هاست.

بخوان و حفظ کن - «روباه و زاغ»

قالب شعر: مثنوی

شاعر: حبیب یغمایی

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

خوش خوان: خوش آواز	زاغک: زاغچه، زاغ کوچک (زاغ: کلاغ سیاه)
قارقار: صدای کلاغ به هنگام آواز خواندن	قالب: واحدی برای قطعات بریده‌ی معین؛ قالب پنیر
طعمه: خوردنی، خوراک	پرفریب: سخت مگار، سخت حيله‌گر
روبهک: بچه روباه، روباه کوچک	حیلت‌ساز: حيله‌باز، مگار، فریبنده
جست: جهش، عمل جهیدن از ارتفاع و بلندی چیزی	آواز: صدا، بانگ، آهنگ، نغمه
مانند دیوار	به‌به: کلمه‌ای برای تحسین و تمجید
	خوش آواز: خوش صدا، خوش نغمه

معنی بیت‌ها

بیت ۱: زاغکی قالب پنیری دید به دهان بر گرفت و زود پرید
معنی: زاغ کوچکی، قالب پنیری را دید، آن را به منقار گرفت و زود پرواز کرد.

بیت ۲: بر درختی نشست در راهی که از آن می‌گذشت روباهی
معنی: زاغ کوچک در کنار راهی، روی درختی نشست که از آن راه، روباهی می‌گذشت.

بیت ۳: روبه پرفریب و حیلت‌ساز رفت پای درخت و کرد آواز
معنی: روباه مگار و فریبنده به درخت نزدیک شد و شروع به خواندن و تعریف کردن از زاغ کرد.

بیت ۴: گفت به به! چه قدر زیبایی چه سری، چه دمی، عجب پای
معنی: روباه گفت: به‌به! چه قدر زیبا هستی! چه سر و دم و پای زیبایی داری!

بیت ۵: پر و بال، سیاه رنگ و قشنگ نیست بالاتر از سیاهی رنگ
معنی: پر و بال تو سیاه رنگ و زیبا است. رنگی بهتر از سیاهی نیست. (بسیار زیبا هستی.)

بیت ۶: گر خوش آواز بودی و خوش‌خوان نبودی بهتر از تو در مرغان
معنی: اگر خوش‌آواز باشی و خوش‌صدا، بهتر از تو پرنده‌ای وجود ندارد و تو از همه برتری.



بیت ۷: زاغ می‌خواست قارقار کند تا که آوازش، آشکار کند
معنی: زاغ تصمیم گرفت قارقار کند و آواز بخواند تا خوبی آوازش را برای روباه آشکار کند.

بیت ۸: طعمه افتاد چون دهان بگشود روبه‌ک جَست و طعمه را برود
معنی: همین که دهانش را باز کرد پنیر از دهانش افتاد و روباه از جا پرید و آن طعمه (پنیر) را برداشت و فرار کرد.

املاي واژه‌های مهم

زاغکی - قالب پنیر - روباهی - روبه - حیلت ساز - به به - چه قدر - خوش آواز - خوش‌خون - مرغان -
 می‌خواست - قارقار - طعمه - روبه‌ک - جَست»



انسان‌ها باید از هوش و آگاهی برخوردار باشند تا گرفتار فریب و حيله‌ی دیگران نشوند؛ بنابراین نباید زود باور باشیم و در برابر تعریف‌های ظاهری دیگران، فریب نخوریم.

حبیب یغمایی: شاعر و نویسنده‌ی توانای ایرانی است که آثار بسیاری دارد و معروف‌ترین

شعر او «روباه و زاغ» است. او در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی در روستای خور

به دنیا آمد و در سن ۸۶ سالگی از دنیا رفت.

